

جنبش ملی

مساج

بهرام رحمانی

نگاهی اجمالی به تاریخ مردم کرد

تاریخ مردم کرد تاریخ تلامعات سیاسی و اجتماعی و جنایات سالیان دراز دولت‌های مختلف منطقه - و حامیان بین‌المللی آنان - بر علیه این مردم است.

منطقه ی کردنشین در قلمرو عثمان، با کوه‌های سر به فلک کشیده و دشت‌های بی‌کران سرسبز و حاصل خیز، جمعیتی در حدود ۲۵ تا ۳۰ میلیون را در خود جای داده است. مردم کرد، یکی از اقوام قدیمی این منطقه هستند که تاریخ آن‌ها به حدود هزار سال پیش از میلاد - زمانی که در میان دریاچه ارومیه و دریاچه وان ساکن بودند - برمی‌گردد.

مردم کردها که در منطقه حساسی به لحاظ سوق الجیشی و استراتژیکی ساکن بودند و به حیث اقتصادی و سیاسی و به ویژه موقعیت نظامی مورد توجه حکومت‌های روم، انزلب و ایران قرار داشتند، بارها مورد هجوم این حکومت‌ها قرار گرفتند. در سال ۳۳۰ پیش از میلاد اسکندر مقدونی در لشکرکشی به ایران، مناطق کردنشین را به تصرف خود درآورد. رومی‌ها، بعد از سال‌های ۵۰ قمری، مردم کرد را از زیر حملات خود قرار دادند. در اثر جنگ‌های مداوم بین حکومت ایران و امپراتوری روم، مردم کردها به کوه‌ها پناه بردند تا از سخت و تاز

این دو حکومت در امان باشند. در سال ۶۳۰ پس از میلاد و شکست ایران در جنگ فاصیه، منطقه کردستان به تصرف انزلب در آمد. از آن تاریخ تا قرن پانزدهم، انزلب بر این منطقه فرمان رایی می‌کردند. پس از این دوران، عشایر کرد توانستند در منطقه‌های به وسعت شهر وان تا اورفا، حکومت فئودالی بر پا کنند که عمر آن بیش از یک صد سال بود. کردها در قرون چهاردهم، در زمان حکومت سلجوقیان حکومت ایالتی داشتند. اما بعد از این قرون، حاکمان ایران و امپراتوری عثمانی - مناطق کردنشین را بین خود تقسیم می‌کنند و تاریخ سرکوب و کشتار و کوچ اجباری مردم کرد آغاز می‌شود.

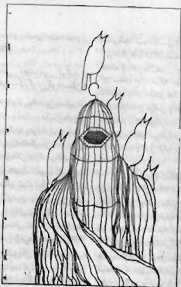
امپراتوری عثمانی - که در مقابل انقلاب صنعتی و رشد سرمایه‌داری اروپا، توان مقاومت خود را از دست می‌داد - دچار بحران شده و در نتیجه مجبور می‌شود که برای حفظ خود از اروپا عقب‌نشینی نماید. این روند از نیمه‌ی دوم قرون نوزدهم آغاز می‌شود اما آن‌چه که این امپراتوری را هم چنان سر پا نگاه می‌دارد، رقابت و کشمکش است که بر سر تقسیم مناطق تحت نفوذ آن، میان کشورهای فرانسه و انگلیس و روسیه در می‌گردد. در این کشمکش‌ها، فرانسه و انگلیس دست بالا را پیدا می‌کنند و در سرکوبت و آینده‌ی زندگی مردم این منطقه، از جمله مردم کرد، نقش اساسی بر عهده می‌گیرند.

در جنگ جهانی اول، ایوان و امپراتوری عثمانی - به این دلیل که از حکومت اعلان حمایت کردند - مورد غضب متفقین واقع می‌شوند. با خاتمه‌ی جنگ جهانی اول، جغرافیای سابق جهان دگرگون می‌شود. امپراتوری‌های روسیه، عثمانی، و انزلب و امان در هم شکسته می‌شوند و حکومت‌های جدیدی در منطقه توسط فاتحین این جنگ، به وجود می‌آیند.

از جانب دیگر، اردلنولوی ناسیونالیسم ترک اثر نیمه‌ی دوم این نوزدهم پایه‌های حکومت خود را در درون امپراتوری عثمانی به عنوان یک گرایش بنیان می‌گذارد. «حزب اتحاد و ترقی» به رهبری مصطفی کمال (آتاترک) به وجود می‌آید و روشن فکران، سیاست‌مداران بورژوا، تکنوکرات‌ها و بخشی از نظامیان که از امپراتوری عثمانی قراضی بودند در این حزب متشکل می‌شوند. علاوه بر این حزب، تشکیلات دیگری نیز به نام «جمعیت نفع‌حفظ حلق» اعلام موجودیت می‌کنند. این دو جبهه در کنفره معروف «سیوس خاور» متحد می‌شوند و در آنکارا «مجلس ملی بزرگ» را تأسیس می‌کنند.

در این میان، روشن فکران کرد نیز سازمان‌های سیاسی خود را در استانبول به وجود می‌آورند. «جمعیت ترقی و تعاون» که در سال ۱۹۰۸ ایجاد می‌شود که منتهای به زبان ترکی به نام «کرد نغاش و ترقی گانسی» را به رهبری جمال بیگ مستتر می‌کنند. این سازمان‌ها در پاییز ۱۹۰۸، کمیته‌ای به نام «کمیته ی کرد برای تشریفاتی» - که یک مدرسه کردی بود - در معنه جنسیتی استانبول تأسیس می‌کنند. در سال ۱۹۱۲، جمعیت «هیوایی کرد» (راهب‌کرد) که از سال ۱۹۱۰ توسط گروهی از دانشجو جوان و بااستعدادی کرد، مستقرانه فعالیت می‌کرد، کار خود را به طور قانونی و رسمی آغاز می‌نماید. رهبری این سازمان به یکی از کردهای عضو پارلمان عثمانی، به نام خلیل حسن، متکی بود. این جمعیت در سال ۱۹۱۳، روزنامه‌ای به نام «زبان کردی و ترکی» به نام «روزگار کرد» را مستتر می‌گند، که در سال ۱۹۱۴ به دستهای کردها تیسر می‌گردد. سازمان مزبور، فعالیت خود را در میان کارگران و دانشجو جوان کرد در شهرهای کردستان و مهاجران کرد در اروپا مستمر کرده بود. در سال ۱۹۱۳، سازمان‌های کردی دیگری نیز به نام‌های «اتحاد دوست‌داران کردستان» و «حزب مجدد تأسیس می‌شوند. که یکی از نمایندگان کرد در پارلمان به نام لطفی لکری، رهبری این حزب را به عهده داشت. در برنامه‌ی این حزب، جدایی دین از دولت و تأمین کولن‌التبای و رعایت حقوق زنان گنجانده شده بود. در واقع، این حزب یکی از احزاب ترقی‌انگیز دوره به شمار می‌رفت.

در طول تاریخ، دولت‌های حاکم در منطقه با



یاری حامیان بین‌المللی شان - در مجموع سه بار مردم کرد را به زور سر نیزه از هم جدا کرده و بین آن‌ها، مرز کشیدند اولین بار، پس از به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول جلوی بود که امارت کردها با پیمان موسوم به «قصر شبرین» (در سال ۱۶۳۶ میلادی) بین امپراتوری عثمانی و ایران تقسیم شد. بار دوم، طبق «عهدنامه‌ی ترکمن چای»، بخشی از منطقه‌ی مذکور توسط دولت قاجار به روسیه‌ی تزاری واگذار گردید. بخشی از این منطقه در سال ۱۸۴۲، توسط دولت شوروی به روسیه‌ی آیین، به صورت ناحیه‌ی خودمختار درآمد اما در سال ۱۹۳۷، به دستور استالین، بخش اعظم ساکنان این منطقه که ۱۳۷ هزار خانواره برآورد شده است، به سیبری و قزاقستان و برخی دیگر کوچ داده شدند و ناحیه‌ی خودمختار، صمیمه‌ی ارمنستان (شوروی سابق) گردید سپس جناب و تقسیم مردم کرد نیز پس از جنگ جهانی اول صورت گرفت.

پیمان سور و پیمان لوزان

شرکت‌کنندگان در کنفرانس «سور» عبارت بودند از: فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا (ناظره، ایتالیا، رومستان، ژاپن، یونان، بلژیک - عربستان سعودی (دچار)، یوگسلاوی سابق (گروان، سرب اسلاوون، چکسلواکی، ترکیه و نیز یک هیأت سایه‌نگی کرد که به عنوان ناظر در نشست مابین مریوط به ارمنستان و کردستان شرکت داشت. نتایج این کنفرانس که در ۱۰ اوت ۱۹۲۰ در «سور» به امضا رسید، ۳۳ ماده تشکیل می‌شود بخش سوم این پیمان حتی مواد ۶۳ و ۶۴ به مسئله‌ی کردستان می‌پردازد خلاصه این مواد چنین است:

ماده‌ی ۶۳ کمیسیونی که مقرر در استانبول است و مرکب از سه عضو منصوب از سوی دولت‌های بریتانیا و فرانسه و ایتالیا خواهد بود طرف‌ش ماه از تاریخ اجراء این پیمان) مقدمات تأسیس حکومت خودمختار کردی را در نواحی عمدتاً کردنشین واقع در شرق فرات تا جنوب مناطق مرزی آنی کشور ارمنستان و شمال مرز ترکیه و سوریه و بین النهرین - به نحوی که در ماده‌ی ۲۷ بخش دوم (۲) و (۳) مقرر شده است، فراهم خواهد کرد.

ماده‌ی ۶۴ دولت عثمانی از هم اکنون موافقت می‌کند. تصمیمات کمیسیون مزبور و دو کمیسیون پیش‌بینی شده در ماده‌ی ۶۲ از طرف سه ماه از تاریخ اعلام تصمیمات مزبور بپذیرد و اجرا کند.

ماده‌ی ۶۵ هر گاه پس از یک سال از اجراء این پیمان، جمعیت کرد مناطق مطروح در ماده‌ی ۶۲ به شیوه‌ی جامعه‌ی ملل مراجعه کنند و ثابت کنند که جمعیت این مناطق می‌خواهد از ترکیه مستقل شوند و چنان‌چه شورا تشخیص دهد که شایستگی

چین استعلاقی را دارند و توصیه کند این استقلال بدان‌ها داده شود. در این صورت ترکیه از هم‌اکنون موافقت می‌کند که توصیه‌های شورا را بپذیرد و از هر گونه حق ادعایی بر آن مناطق چشم‌پوشد.

جزئیات مورد مریوط به این چشم‌پوشی، موضوع پیمان خاص بین ترکیه و قدرت‌های عمده‌ی متفقین خواهد بود.

همان‌طور که مفاد پیمان «سور» نشان می‌دهد، هدف اصلی متفقین، تفسیر مناطقی بود که تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی قرار داشت. یعنی این پیمان نه به حقوق مردم ترک جدیدی عادلانه داشت و نه به حقوق مردم کورد بل که زمین‌های را برای «ترک‌های جوان» به وجود می‌آورد تا برای چندین دهه وجود مردم کرد در این کشور را - در متن بی تفاوتی دولت‌های غربی و سازمان ملل - انکار کند.

مصلحتی کمال (آنتاتورک) - در سال ۱۹۲۰ - به هنگام جنگ با یونان و در شرایطی که از لحاظ نظامی در موقعیت دشواری قرار داشت - از سر دوستی با کردها درآمد. با آن‌ها پیمان صلح بست و متعهد شد که پس از عقب‌نشینی یونان از خاک ترکیه، طوقی را که معاهده‌ی «سور» برای مردم کرد در نظر گرفته بود، به سرخ‌های اجباری درآورد اما آنتاتورک پس از رافع بحران، این تعهد خود در قبال مردم کرد را زیر پا می‌گذارد.

پیمان «لوزان» در روز ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۳، در شهر لوزان سوئیس امضا گردید. ایالات متحده آمریکا در مقابل به دست آوردن امتیاز نفت موصل، سرنوشته مردم کرد و دیگر اقلیت‌ها در این منطقه را تغییر داد آمریکا به حمایت از ترکیه برخاست و ترکیه نیز به

پشت گرمی حمایت آمریکا، حاضر نشد قراردادهایی را که پیش از جنگ جهانی اول - از جمله پیمان «سور» - در نوزاد امپراتوری عثمانی منعقد شده بود بپذیرد در این کنفرانس، دول قانع پذیرای سخنان نفاذبانان ترکیه شدند و مطالبی خواسته‌های آن کشور، از یونانی‌ها و ارمنی‌ها خواسته که از ترکیه خارج شوند آنان عملاً مسئله‌ی مردم کرد را نادیده گرفتند. تا میانه‌ی آسپس به مناطق شان پرست بدین ترتیب، مصلحتی کمال (آنتاتورک) در ۱۲ اکتبر ۱۹۲۴ میلادی، طبق قانون اساسی جدید مجلس کبیر، ترکیه را جمهوری اعلام کرد و با تحقق این آرزوی همان توکیسم، سیاست پاک‌سازی اقلیت‌های کرد، ارمنی و یونانی، و کرد در دستور دولت ترکیه قرار گرفت. شمارهای زیاد پرستانه‌ی آنتاتورک بر در دیوار مراکز آموزشی و ادارات دولتی آویخته شد. ضمن سرافراز، چین ترکیه، «یک ترک به اندازه‌ی سراسر جهان ارزش دارد»، «ای ترک، افتخار کن، کار کن، با عقیده باش»، و «کسی که بگوید ترک، سعادتمند و شایسته افتخار است».

دولت ترکیه، پس از کشاکش گسترده‌ی مردم کرد در خلال سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۲۵، به کار برهمن عبارت «کرد» را نیز به کلی ممنوع کرد به دنبال کشاکش و پاک‌سازی مردم کرد عصمت اینجه، رهبر «حزب جمهوری خلق» و نخست‌وزیر وقت ترکیه، اعتراف کرد که در خلال این سال‌ها جمعیت ساکن مناطق کوردنشین به نصف رسیده است؛ «تعدادی که طرف پنج سال اخیر در شرق ترکیه ازمانه داشته است، تاکنون نصف نیروی خود را از دست داده است - در این مملکت تنها ملت ترک حق دارد خواهان حتی قومی و نژادی خود باشد. هیچ نژاد دیگری از چنین

شرایط سیاسی اجتماعی ترکیه و شکل‌گیری «حزب کارگران کردستان»

چنان‌که برای کار و تحصیل به شهرهای دیگر ترکیه می‌رفتند، با احزاب و سازمان‌های چپ ترکیه رابطه برقرار می‌کردند و در صفوف این احزاب و نیز اتحادیه‌های کارگری مشغول می‌شدند. یکی از این جوانان، عبدالله اوجالان بود که در دانشکده‌ی علوم سیاسی آنکارا، تحصیلات خود را آغاز کرد. اولین بار در حالی دستگیر شد که اعلامیه‌ی یک گروه چوچکی را بخش می‌کرد وی. - به همین دلیل هفت ماه زندانی شد و پس از آزادی نتوانست به تحصیلات خود ادامه دهد پس از مدتی، تشکیلی به نام «اتحادیه‌ی وطن پرستان» دموکرات آموزش عالی» در سال ۱۹۳۲ در آنکارا توسط گروه کوچکی از دانشجو جوان کرد دانشگاه آنکارا به وجود آمد که اساس فعالیت خود را شناساندن زبان و حقوق فرهنگی مردم کرد تعیین کرده بود. رهبر اصلی این انجمن، عبدالله اوجالان - معروف به «ایوب» - بود. این انجمن در آغاز فعالیت خود فقط ۱۵ نفر عضو داشت. اما عضوگیری خود را به دانشگاهها محدود نکرد و فعالیت خود را در میان انتشار دیگر مردم کرد نیز گسترش داد. تا این‌که اعضای اصلی انجمن در سال ۱۹۳۷ به طوفان محاصره در دیاربکر جمع شدند و سندی را به نام «تصویب و رساندن که دیدگاه‌های این انجمن راجع به وضعیت مردم کرد در ترکیه را در بر می‌گرفته است» مضمین تحت عنوان «دره انقلاب کردستان» به طوفان مخفیانه در ترکیه توزیع کردند. در این سند، از کردستان - تحت عنوان جایی که قودالان زمین‌دار و بیوزواری وابست در هم کاری با طبقه‌ی حاکم کوشید استعمارگر ترکیه در صدد نابود و بخریدن به استعمار دستانان و طبقه‌ی کارگر هستند - نام برده می‌شود. این سند برای حل مسئله‌ی مردم کرد بر یک انقلاب بود. مرحله‌ی تأکید می‌کنند: اول - مرحله‌ی انقلاب ملی، که مستزوم استعمار و تأسیس یک کردستان مستقل، به عنوان پیش شرط لازم برای رسیدن به حقوق کردها است؛ دوم - مرحله‌ی انقلاب دموکراتیک، که می‌باید تناقضات و مشکلاتی را که فرا راه طبقه‌ی متوسط وجود دارد از سر راه بردارد. سندی تحلیلی درگونی عمیق در جامعه‌ی کرد را تنها از طریق یک انقلاب سوسیالیستی - که هدف نهایی آن ایجاد یک جامعه‌ی بدون طبقه است - امکان‌پذیر می‌داند و مبارزه‌ی مسلحانه را به عنوان شیوه‌ی برای تحقق این اهداف ضرورت توافق فراموش می‌دهد. در دستور فعالیت‌های این انجمن، اولین کنگره در ۲۷ نوامبر ۱۹۳۸ در قلمبه‌ی «قیس» از توابع دیاربکر برگزار

می‌شود که طس آن «حزب کارگران کردستان» (به ک.گ.ا) رسماً تأسیس می‌گردد و عبدالله اوجالان به رهبری آن انتخاب می‌شود. در این مقطع، دولت ترکیه دچار بحران سیاسی و اقتصادی اواخر دهه‌ی هشتاد است و فضا برای فعالیت آزاده‌ی سیاسی و اجتماعی بسیار مساعد است. «حزب کارگران کردستان» با استفاده از چنین موقعیتی، موفق می‌شود مبارزه‌ی وسیعی را در سراسر جنوب و شرق ترکیه بر علیه دولت سازمان دهد.

اما فعالیت‌های پد که در دیگر احزاب سیاسی در ترکیه، با کودتای ۱۹۸۰ دچار وقفه می‌گردند این کودتا، سومین کودتای نظامی در ترکیه از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد بود. ارتش ترکیه به رهبری ژنرال گمن اوپوز، رئیس ستاد مشترک ارتش، در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ قدرت را به دست می‌گیرد و ادعا می‌کند که با حاکمیت ارتش بر قوه‌ی ملکه و معجزه ترانه‌ی خواهد شد که نظم و دموکراسی در کشور مستقر گردد. حکومت نظامی در مارس ۱۹۸۱، حاکمان این اجن را که در سال‌های ۲۶-۱۹۷۸ به عنوان وزیر خدمات عمومی در دولت بلند اجوبت کار می‌کرد به جرم تبلیغات برای کردها و تشویق جنایات طس می‌به جرم سال و سه ماه زندان محکوم می‌کند. حکومت نظامی، با محکومیت این وزیر سابق کرد هدف هر چه شود گرفتن مردم کرد را داشت. وزیران طریق، رسماً اعلام می‌کرد که هدف ناپذیری کلیه‌ی اشکال طرح مسئله‌ی مردم کرد را در دستور کار خود دارد. تنها دلیل محکومیت اجن این بود، که وی گفته بود: «من یک کرد هستم و در ترکیه قومی به نام کرد زندگی می‌کنم» در مارس ۱۹۸۲، دولت کودتا رسماً اعلام می‌کند که حدود ۲۰ هزار نفر از مخالفان با دستگیر کردها که اکثریت قاطع آن فعالین چپ هستند. در این میان، فعالین سیاسی کرد که به‌تلاصه بعد از کودتا دستگیر و به جرم «جلبلی طس» محاکمه شدند. شمارشان به سه هزار نفر می‌رسید، که نیمی از آنان اعضای پد که بودند. آمار آفرین افرادی که توسط ارتش و پلیس مخفی به قتل رسیدند، هرگز اعلام نشده، اما پیش‌بینی می‌شود که آمار واقعی خیلی بیش‌تر از ارقام اعلام شده‌ی رسمی باشد. روزنامه‌ی «هلینت» در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۲، تعداد دستگیرشدگان را ۶۵۰ هزار نفر اعلام کرده که در تاذگاه‌های نظامی برای لغزشت نفر از آن‌ها مجازات‌اندام در خواست شد بود. بر اساس آمارهای رسمی، ۲۶ نفر اندام و ۱۷۱ نفر در زند شکسته به قتل رسیدند.

کسنان اوپوز، در تاریخ ۱۹ اکتبر ۱۹۸۱ در معاحله‌ی با مجله‌ی «شمال» طس، در رابطه با کشتار مردم کرد می‌گوید: «کردها، بارها در زمان

امپراتوری عثمانی و آناتولیه - که با حاکمیت هر وقت جمهوری ترکیه ضعیف می‌شود، کردها قد ضعیف می‌کنند و می‌خواهند با کمک نیروهای خارجی، ترکیه را تجزیه کنند - باید اضافه کنیم که مردمی به نام کرد در کشور ترکیه وجود ندارند. ما به آن‌ها اجازه نخواهیم داد که ترکیه را متلاش کنند. آن‌ها قاتل نیستند چیزی را از ما بگیرند. ما تمام نیروی خود را به کار خواهیم برد تا این مسئله را ریشه کن کنیم» در سال ۱۹۸۲، دولت نظامی، مجلس مؤسسان را برای تصویب قانون اساسی جدید فراموش کرد. در قانون اساسی جدید، محتویات‌های تازه‌ای در رابطه با مردم کردها تصویب می‌شود. اصول ۲۷ و ۸۶ و ۸۸ این قانون تأکید می‌کنند که: «هیچ زبانی که به وسیله‌ی قانون منع شده است، نمی‌باید در میان و نشر اندیشه مورد استفاده قرار گیرد. نشریات نمی‌باید به هیچ زبانی که توسط قانون منع شده است، چاپ و منتشر شوند و هیچ حزب سیاسی نمی‌باید خود را به دفاع، حمایت، گسترش و اندازه‌ی زبان یا فرهنگ‌های غیر ترکی متعهد کند. هیچ‌چنین احزاب نمی‌باید در جستجوی تشکیل اقلیت‌های در دیون کشور باشند» حکومت نظامی، فعالیت احزاب متشکل‌های کارگری و چپ، و نهادهای دموکراتیک مخالف کودتا را منحل و فعالین آن‌ها را تحت تعقیب قرار می‌دهد. قتلان خونین، نزدیک به چهار سال ادامه می‌یابد نخست در ترمین ططه‌ی کارگر معنای اعتراض بستن می‌شود و به دنبال آن حمله‌ی چریک‌های پد که با نیروهای نظامی مستقر در کردستان، سکونت‌ها می‌شکند.

پسین ترتیب، «حزب کارگران کردستان» در سال ۱۹۸۲، اولین عملیات مسلحانه‌ی خود را آغاز می‌کند. این حزب در طول سال‌های سکوت بعد از کودتای ۱۹۸۰، ارتش سازمانی جدیدی به خود می‌گیرد. دو شاخه‌ی سیاسی و نظامی به نام «ک.گ.ا» تیار و زکار یافته که «گورته» (اتحادیه‌ی بهاری بخش مردم کردها) و «ک.ه» (ک.ه.ن. شازکارگان) که در کردستان (آفرتش بهاری بخش مردم کردستان) به وجود می‌آیند کمیته مرکزی، حزب به ۲۰ تن می‌رسد. اعضای کمیته‌ی مرکزی «کمیته‌ی رهبری» هفت نفره با انتخاب می‌کنند کمیته‌ی رهبری، تصمیمات کلی را می‌گیرد و در قیاب کمیته‌ی رهبری، عبدالله اوجالان تصمیم‌گیری می‌کند. این ارتش جدید ضعیف‌تر از آن می‌نماید که حزب تعداد زیادی را به صفوف خود جذب کرده و اثر امکانات و منابع مالی قابل توجهی برخوردار شده است. تعداد مشرک‌های حزب در این دوره چنین بود:

الف) اهداف نظری

- تأکید بر مفهوم عام انسانیت، به ویژه در

هدایت با از خودی‌گرایی و سلطه‌ی مالکیت خصوصی بر منافع اجتماعی!
- توجه به آزادی حقیقی و حقوقی زنان
- توجه به میراث فرهنگی بشر و حفظ محیط زیست:

- روبرو کردن عینی تر به تربیت انسان با اخلاق و رفتار انسانی بر مبنای نظام اندیشگری در سوسیالیسم انسان‌گرا و عمل‌گرا

ب) اهداف سیاسی

- از راهی راه‌های سیاسی نو به مردم خاورمیانه:
- درخواست حق تعیین سرنوشت مردم کرد و استناد از منافع بین‌المللی و دولت‌های منطقه:
- سر و سامان بخشیدن به اوضاع سیاسی و اجتماعی ترکیه در مورد تقاضای دینی:

آن چه که در بندهای مختلف اهداف این حزب وجود دارد، سلفه‌های از گرایش‌های خلقی، ملی و سوسیالیستی است که از پرولتاریه آن ناشی می‌شود اما بعد از فروپاشی شوروی، و رهبری به‌کند که تنها گرایش سوسیالیستی درون خود را به حاشیه می‌راند، بل که رهبری آن آشکارا به گرایش‌های ملی و مذهبی روی می‌آورد و سوسیالیسم تنها جنبه‌ی تزئینی در آن پیدا می‌کند. در این میان، جلال طالبانی، رهبر اتحادیه‌ی میهنی کردستان عراق، نقش میانجی بین دولت ترکیه و به‌کند را بازی می‌کند. او روز ۱۷ فوریه سال ۱۹۹۲، در دیداری چند ساعته با اوج‌الان در دمشق می‌گوید: «هیاد پین بود، جنگ سرد پایان یافته است. شوروی و بلوک آن از بین رفته است، باید آگاهانه به جنگ خاتمه بخشید و تنش‌ها شش ماهه اعلام کرد. پذیرش این امر، معنایش این نیست که شما تسلیم شده‌اید، بل که به دنیا ثابت خواهید کرد که متولانه عمل کرده‌اید. اوج‌الان نیز در موافقت با این نظر اعلام می‌کند که: «خاتمه تورپریسم، و تجزیه طلبی را محکوم کنیم، ما دیگر کمونیست نیستیم، میهن پرست هستیم. وی سپس در حضور طالبانی، نامه‌ای به پرزیدنت تورکوت اوزال، رئیس جمهوری وقت ترکیه نوشت و او را در جریان تغییرات حزب مطبوع خود می‌گذارد روز ۱۷ مارس در لبنان، اوج‌الان - در کنار طالبانی - در حالی که بعد از ۲۲ سال کت و شلواری پوشیده‌است، آتش‌بس مؤقت را از تاریخ ۲۰ مارس تا ۱۵ آوریل ۱۹۹۲ اعلام می‌سازد که روزنامه‌های ترکیه آن را در سطح وسیعی انعکاس می‌دهند. اوج‌الان هم چنین نامه‌هایی به روسای دولت‌های اروپا و آمریکا می‌نویسد و از آنان درخواست می‌کند، که با ملی مسئله‌ی کرد در ترکیه میانجیگری کنند. اما نه تورکوت اوزال و نه هیچ یک از دولت‌های ترکیه، هیچ‌گاه نخواستند امکانات ضروری رهاقی،

اجتماعی و آموزشی و اشتغال کافی در مناطق کردنشین به وجود آورند و خواست‌های این مردم را به رسمیت بشناسند بر عکس، مدارس را به این بهانه که به‌کند مخالف آموزش زبان ترکی است و آموزگاران را تهدید می‌کند، به پاسگاه‌های نظامی تبدیل می‌کنند و بیش از یک صد هزار نیروی نظامی و ۵۰ هزار «پاسدازبان روستا» را در آن‌ها مستقر می‌نماید. دست این نیروهای سرکوبگر آن‌چنان باز است، که می‌توانند وحشیانه به جسم و مال مردم تجاوز کنند. آنان، کشتزارها و دام‌های دهقانان را نابود می‌سازند، بیش از ۲ هزار ده قصبه را ویران می‌کنند، و چند میلیون انسان را وادار به کوچ از خانه و کاشانه‌ی خود می‌سازند. به لحاظ اقتصادی نیز سطح زیست و زندگی مردم کردنست به مناطق دیگر کشور به شدت پایین آورده می‌شود. در این مناطق، فقر و محرومیت غیرقابل تصویری وجود دارد. در حالی که مناطق کردنشین، یک پنجم کشور را شامل می‌گردد و نزدیک به ۸۸ درصد (حدود ۱۲ میلیون) جمعیت کشور در آن زندگی می‌کنند (حدود ۵ میلیون نیز در شهرهای دیگر ترکیه و با اروپا به سر می‌برند). دولت فقط حدود ۱۰ درصد از سرمایه‌گذاری کل کشور را به آن اختصاص می‌دهد و سرمایه‌داران هم - به دلیل ناشناسی این منطقه - رغبتی برای سرمایه‌گذاری در آن از خود نشان نمی‌دهند. بیش از ۷۰ درصد از نیروهای فعال مناطق کردنش در بخش کشاورزی شاغل هستند. و تقریباً ۲۰ درصد مردم در دهات و قصبه‌های کوچک و ۳ درصد در شهرها زندگی می‌کنند (در حالی که جمعیت شهرنشینی در حاشیه دیگر ترکیه، بیش از ۵۰ درصد است) در برابر این وضعیت نابسامان، بنا به آماد‌های رسمی دولتی، جنگ دولت ترکیه علیه مردم کرد سالانه ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار هزینه در بر دارد.

نظامی که حق شهروندی مردم کرد را به رسمیت نمی‌شناسد زور، تحقیر، کجگویی و آزار و سب است. مبارزه‌ی روستایی را هرگز از سران کم نمی‌کند؛ هرگونه اعتراض سیاسی و اجتماعی کارگران و گرایش چپ جامعه را، که به نابرابری و سرکوب مردم کرد معترض‌اند، به پنهانی «به خطر انداختن تعاملات ارض کشور»، «تجزیه طلبی» و «مبارزه با تورپریسم» به شدت سرکوب می‌کند؛ زنان هایش بر اثر سردمدار معترض، و رهبران کارگری، فعالین سازمان‌های سیاسی چپ، نویسندگان و روزنامه‌نگاران و فرهنگیان پیش روی است که از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و حقوق مردم کرد دفاع می‌کنند؛ طمأ شرایط ایجاد گسترش فرقی ناسیونالیستی در مردم کرد و زمینه‌ی دست پرزین به اسلحه را فراهم می‌آورد بنابراین، بسیاری طبیعی

است که مردم کرد، به ویژه جوانان، برای فرار از تحقیر و توهین و تبعیض روزمره‌ی نظام حاکم و به امید مبارزه برای آزادی و کسب حقوق شهروندی برابر با مردم ترکیه، به صفوف به‌کند روی آورند. به‌کند محصل سرکوب و اختیارات سیاسی است که دولت ترکیه در طول چند دهه به مردم کرد تحمیل کرده است.

در چنین شرایطی بود که دولت ترکیه در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۹۲، با همکاری دولت‌های غربی و سازمان‌های اطلاعاتی «سیاه و هم‌پایه، عبدالله اوج‌الان را طی یک عملیات تروریستی در کتابخانه امارات خود درآورد و پس از انتقال او به ترکیه، با عجله وی را معاکمه و به اعدام محکوم نمود. هم زمان با دستگیری اوج‌الان، مسئله‌ی مردم کرد در رأس اخبار و گزارشات رسانه‌های عموماً جهان قرار گرفت. مردم جهان در سطحی گسترده با محرومیت و بی‌عدالتی مردم کرد آشنا شدند. دستگیری اوج‌الان و بی‌موفق‌های آن، همه تنها نشان داد که ادعای دولت‌های غرب منتهی بر دفاع از حقوق بشر و «حق پناهندگی سیاسی» بر اساس «کنوانسیون ژنو» بی‌معنی است. بل که تورپریسم دولتی را نیز اثبات نمود و به همگان نشان داد که چگونه دولت‌های کمپارتیکت غرب، برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود با حکومت‌های دیکتاتور و آدمکش هم‌کاری می‌کنند و بهترین ترین قوانین ساخته شده‌ی بین‌المللی را زیر پای می‌گذارند.

پس از امارت اوج‌الان، به‌کند به تغییر در اهداف پایه‌ای خود سرعت عمل بیش تری داد. مبارزه‌ی مسلحانه را کنار گذاشت؛ این‌اش نسبت به دولت تغییر یافته؛ لباس دیپلماتیک به تن کرد و پرچم سازش با دولت را برافراشت؛ دو گروه از کاروان‌های خود را از کردستان عراق و اروپا تحت عنوان «پیام‌آوران صلح» روانه ترکیه کرد که اکنون در زندان به سر می‌برند؛ و - دولت ترکیه در مقابل این همه «حسن نیت» به‌کند که اما هم‌چنان بر شیور سرکوب پلیسی می‌دمد و به شکر کشی، شبه نیروهای امن حزب در عراق کردستان عراق - با هم کاری جلال طالبانی - ادامه می‌دهد.

بررسی تحولات «حزب کارگران کردنشین» در یکی دو سال اخیر، در نگاه اول چنین به نظر می‌آید که این تحولات دو اثر امارت اوج‌الان به وقوع پیوسته است. به نظر من اما، هر چند که امارت اوج‌الان در سرعت و دامنه‌ی وقوع این تحولات بی‌تأثیر نیست، اما مسئله بسیار پایه‌ای‌تر از صرف دستگیری اوج‌الان است. اولاً، مبارزه مسلحانه‌ی احزاب و جنبش‌های ملی عقب‌پوش دولت‌های رفیق، دیگر مانند دهه‌های شصت و هفتاد امکان‌پذیر نیست در عصر جهانی شدن سرمایه و

از بیادمانه جنگ چوربکی دیگر چنگاقلان شیوهی مناسبی برای رسیدن به اهداف سیاسی نیست. تنها مبارزه همه جانبه سیاسی و نظامی در پرتو یک استراتژی و اقدام انقلابی و رادیکال - با پشتوانهی نیروی گستردهی جنبش های کارگری و سوسیالیست و افکار عمومی بین المللی - است. که می تواند ریشه های سنه و تبعیض را بخشاند و به بهبود زندگی مردم بیادمانه تأثیرا برسد. پس از فروپاشی شوروی، اثر همان رگه های سوسیالیستی هو که در این حزب وجود داشت، دست نداشت و

هرچه پیش تر به تحولات ناسیونالیستی و - همکاری با دولت مرتجع منطقه روی آورد و بدین ترتیب، دستهای تنزل خود را هر چه پیش تر فراه نمود تا آنجا، دلیل اصلی تغییر ریل برسد که تغییر تحولاتی است که در اوضاع بین المللی در دهه های هشتاد و نه ویزه اولین دهه ی نود رخ داد و به نفع بلوک آمریکا و غرب پایان یافت. به علاوه، ایجاد اتحادیه ی اروپا و مسئله ی عضویت ترکیه در این اتحادیه نیز مزید بر علت شده بود که به کمک دست به تغییراتی در ساختار خود بزند و خود را به عنوان یک سازمان سیاسی - که شمولیات و فواید بین المللی و کشوری را به رسمیت می شناسد - تود دولت های عضو اتحادیه ی اروپا و دولت ترکیه جا بیاندازد تا در نظر گرفتن فاکتورهایی که به آن ها اشاره کرده، حتی بدین دستگیری اوجان هم، این حزب باید دست به یک خانه تکلیفی اساسی می زند و برای شراکت احتمالی در گشایش از تحولات در ترکیه، قوانین بازی دولت مرکزی و دولت های غربی را - می پذیرد. تغییر و تحولاتی که در دهه های پایانی هزاره ی دوم در سطح جهان رخ داده باعث شده است که فعالیت ناسیونالیستی در اساس مفهوم سیاسی و اقتصادی خود - نسبت به گذشته - راز دست بدهد. مبارزه ی احزاب ناسیونالیستی، آن هم به شیوهی مسلحانه و در پناه دولت های رقیب - با حل شدن یا کاهش اختلافات این نهادها و توهم مسامحه ای آن ها بر سر منافع سیاسی و استراتژیک تر سیاسی و اقتصادی - یکی پس از دیگری با بن رست روبرو شده است. در این مورد مثال زیر به اندازه ی کافی گویاست. دولت سوریه در سال ۱۹۸۲ رابطه ی نزدیکی را با بهرک برقرار می کند و پایگاه های او در دره ی بعلبک در اختیار آن می گذارد به این دلیل که دو کشور سوریه و ترکیه، بر سر تقسیم آب رودخانه ی فرات و در زمینه ی مرزی اختلاف دارند. به علاوه، در بلوک بندی جهانی دوران جنگ سرد ترکیه در بلوک آمریکا سوریه در بلوک شوروی قرار دارد و این به نوبه ی خود به دشمنی و رقابت این دولت ها با هم و به تلاش آن ها برای لغویت احزاب مخالفشان می انجامد. بنابراین،

حیایت سوریه از بهرک که، و اساسا سازمان ارتش در ترکیه | در راستای منافع اقتصادی و سیاسی خود بوده است. نه مخالفت مردم کرد و ارمنی اما زمانی که جنگ سرد خاتمه می یابد، در سطح جهان و در متعلقه تحولاتی رخ می دهد. و باب مذاکراتی بین سوریه و ترکیه باز می شود دولت سوریه دیگری نیازی به حیایت لژیونرک که به عنوان اعزامی از آن کشورش می نمود

• • •

حزب کارگران کردستان که زمانی به ویژه برای بخشی از ناسیونالیست ها مثل منافق و قابل افتخاری از یک سازمان مسلح و مبارز ملر شمرده می شد. اینک فقط به سر در کس و نامیدی در میان مردم محروم کرد و سازمان های کوچک و بزرگ مشابهی خود نام میزند این مسئله که سرنوشت این حزب، به کجا می انجامد آیا به تمامی مسلحه و مبارزه ی نظامی را به کنار می گذارد و به سنگ یک سازمان سیاسی کار در می آید؟ آیا شرایط بین المللی به گونهای میبایا می شود که دولت ترکیه را می به قبول حق شهروندی مردم کرد شود و فعالیت سیاسی این حزب را هم به شکنی به رسمیت بشناسد؟ و - مسئله دیگری است که جای پرداختن آن، نوشته ی حاضر نیست اما در هر صورت - و مستقل از

سرنوشت «حزب کارگران کردستان» - مسئله ی محرومیت مردم کرد و تبعیض رزومر نسبت به آنان هم چنان وجود دارد و خواست حق شهروندی و حقوق سیاسی و اجتماعی برابری این مردم از من می زند آیا مردم کرد در ترکیه موفق خواهند شد به هر گونه تبعیض و ستم و نابرابری نقطه ی پایانی بگذارند و صلح و آرامش و آزادی را مستقر سازند؟ آیا افکار عمومی بین المللی آن قدر پدیدار شده است، که یک پارچه از حق شهروندی و خلعیت آزادی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم کرد دفاع نماید؟ این ها همه یی که در گرو وجود یک گرایش اجتماعی قوی و روش فکر عدالت خواه است. که ما آنکا به هر سنگی کارگران ترک و کرد، بنشیند استراتژی سیاسی انقلابی این جنبش را روشن نماید و راه یک فعالیت مؤثر برای احقاق حقوق انسانی مردم کرد را به همگان نشان دهد. چپایی مسود و سقوط بهرک که، به مثابه ی یک جنبش ملی مسلح هم نشان دهنده ی ضعف تا کنونی چنین گرایش بوده است و هم ضرورت وجود و حضور آن با نیروی مردم کرد آشکار می کند.

نشر قصیده منتقش کرده است:

اسلام و لایسیسمه

ع. فیلالی انصاری

ترجمه امیر رضائی

تاریخ فلسفه، غرب

ترنس اروین

ترجمه: حاتمی کاشانی

فلسفه اروپائی

سولومون

ترجمه: حاتمی کاشانی

نشر هومس منتقش کرده است:

گفر از جهان استوره

به فلسفه

محمد ضمیران

یورکن هابرماس

هایکل بیوزی

ترجمه: احمد تدین

واگ دریدا

و متافیزیک حضور

محمد ضمیران